

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پیر لوی
فرستنده: علی مشرف
۰۳ دسمبر ۲۰۲۲

بلغراد، بغداد، کیف: ریاکاری غرب

پیر لوی در این مقاله به سوابق جنگ های غرب و بر ریاکاری ایالات متحده و اتحادیه اروپا تمرکز می کند فریبکاری که به سرعت به عنوان مدافعان بیوه ها و یتیمان اوکراینی و تمامیت و حاکمیت ملی اوکراین ظاهر می شوند.

چهارشنبه، ۲۴ مارچ ۱۹۹۰. یورش نیروی هوایی ناتو به سمت بلغراد آغاز شد.



AFP Patrick BAZ

تگرگ بمب هائی که بر صربستان می ریزد ۷۸ روز ادامه دارد. این کشور در نهایت مجبور شد اجازه جدائی کوزوو را بدهد و مقدمه ای برای اعلام استقلال برای این استان تاریخی صربستان باشد، جایی که پایگاه نظامی عظیم ایالات متحده در آن ساخته شد.

اسلوبودان میلوشویچ، که غرب قول سرنگونی او را داده بود، سال بعد سرنگون شد.

تعداد کشته ها و تخریب زیرساخت ها و صنایع این کشور وحشتناک است.

امروز، برخی از جمهوری های یوگسلاوی سابق توسط اتحادیه اروپا بلعیده شده اند، در حالی که برخی دیگر به کشور های ضعیفی تبدیل شده و در اردوگاه ترنس آتلانتیک لنگر انداخته اند.

فقط صربستان است که سعی می کند کمی در برابر فشار فزاینده مقاومت کند.

پنجشنبه ۲۰ مارچ ۲۰۰۳. تگرگ فولاد و آتش بغداد را درنوردید. در یک شب بیشتر از کل درگیری اوکراین در دو ماه اول جنگ، بمب و راکت بر سر پایتخت عراق ریخته شد.

صدام حسین هدف امریکائی ها و متحدانشان به جز فرانسه و المان قرار گرفت.

بهانه آن وجود «سلاح های کشتار جمعی» بود که اکنون مشخص است هرگز وجود نداشته است.

«جنگ دوم عراق» بیش از هشت سال به طول انجامید و تقریباً آرزوی جیمز بیکر وزیر امور خارجه ایالات متحده در سال ۱۹۹۱ برای بازگرداندن کشور به «عصر حجر» را برآورده کرد.

نابودی عراق از یک دهه قبل با تحریم ها آغاز شده بود که پیامدهای وحشتناکی داشت.

چند سال بعد، وقتی از مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه سابق امریکا در مورد نیم میلیون کودکی که به دلیل تحریم های غرب و کمبود مراقبت های پزشکی و غذا جان خود را از دست دادند، پرسیدند، او گفت: «بله، ارزش این قیمت را داشت.» جنگ و اشغال عراق توسط امریکا و متحدانش باعث به وجود آمدن چیزی شد که بعداً به نام دولت اسلامی شناخته شد.

عراق امروز از نظر اقتصادی یک کشور ویران شده و از نظر سیاسی شکست خورده است.

دولت افغانستان که از زمان تهاجم سال ۲۰۰۱ به مدت بیست سال تحت کنترل غرب بوده است، فاجعه بارتر است. سوریه نیز مورد هدف غرب قرار گرفت که رؤیای سرنگونی بشار اسد را در سر می پروراند. از آنجائی که این هدف محقق نشد، اکنون کشور از نظر اقتصادی خفه کرده است.

و لیبیا که در سال ۲۰۱۱ برای خلاص شدن از شر سرهنگ قذافی مورد حملات هوایی قرار گرفت چطور؟ اکنون این یک «دولت شکست خورده» است که در آن، بیش از ده سال بعد، طایفه ها بدون ظهور هیچ قدرت مشروعی در حال جنگ و مبارزه هستند، نتیجه این دخالت بشر دوستانه یک اقتصاد از هم پاشیده است.

این سوابق آشکار به این معنا نیست که هرگونه انتقاد از حمله ۲۴ بروری روسیه باید کنار گذاشته شود. با این حال، ریاکاری ایالات متحده و اتحادیه اروپا را نشان می دهد که به سرعت به عنوان مدافعان بیوه ها و یتیمان اوکراینی و تمامیت و حاکمیت ملی ظاهر می شوند.

با این حال، مهمتر از همه، بر بی اعتباری افسانه های تأکید می کند که مدام توسط سیاستمداران غربی تکرار می شود و بر اساس این قصه ها ظاهراً تجاوزات مسکو «نظم بین المللی مبتنی بر قوانین را که پس از پایان جنگ جهانی دوم پدید آمد» را نابود کرده است. اما واقعیت این است که پس از انقراض اتحاد جماهیر شوروی، اردوگاه ترانس آتلانتیک معتقد بود که می تواند هر کاری انجام دهد.

یکی از پیامدهای جنگ های غرب، ظهور امواج عظیم مهاجرت بود.

موج مهاجرت امروز پس از اوج گیری در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، منبع نگرانی رهبران اتحادیه اروپا است، زیرا از افزایش نفوذ بیشتر «پوپولیسم» هراس دارند.

پس از لغو محدودیت های کرونا، تعداد مهاجرانی که از مسیرهای مدیترانه غربی (مراکش)، مرکزی (لیبیا) یا شرقی (ترکیه، بالکان) وارد می شوند دو یا حتی سه برابر می شود.

اما علی رغم سال ها مذاکره، ۲۷ کشور عضو همچنان بر سر رویه های پناهندگی و «تقسیم بار» با هم اختلاف دارند.

این امر قبلاً به یک بحران دیپلماتیک بین پاریس و رم منجر شده است و اکنون پس از بحران انرژی و اقتصادی – همه مسائلی که به اختلافات بین کشورهای عضو دامن می زند – می تواند موضوعی جدید و انفجاری برای رویارویی ایجاد کند.

به عنوان مثال، در حالی که کرواسی در مسیر پیوستن به منطقه شنگن است، مرز شمالی آن می تواند از اسلوونی بسته شود، که به نوبه خود به اقدامات محدودکننده اتریش واکنش نشان می دهد – و غیره و غیره. این آزادی حرکت را که زمانی افتخار ادغام اروپا بود، پاره پاره می کند. تا آنجا پیش می رود که برخی در بروکسل از آغاز فروپاشی هراس دارند.

این فقط یک نتیجه عادلانه و شایسته برای جنایات غرب خواهد بود.